

## بررسی تأثیر فرایندهای واجی بر وام واژه‌های انگلیسی در فارسی: براساس ترجمه‌ی رمان بادبادک‌باز اثر خالد حسینی

### واژگان کلیدی

- \* واژگان قرضی
- \* فرایند درج
- \* فرایند تغییر در واکه
- \* فرایند تقویت و تضعیف

لیلا قلی پور \* Leilaghoholipour5@gmail.com

دانشجوی دکتری زبان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

سید محمد موسوی

دانشجوی کارشناسی مترجمی زبان انگلیسی دانشگاه پیام نور

### چکیده

زبان در برخورد با زبان‌های متفاوت دستخوش تغییرات بوده است که مهم‌ترین آنها فرایند قرض‌گیری می‌باشد. این واژگان پس از ورود به زبان مقصد با قواعد خاص آن زبان تطبیق می‌یابد تا آسیب جدی به زبان وارد نگردد و از غنای آن کاسته نشود. این مقاله به بررسی واژگان قرضی در رمان بادبادک‌باز اثر خالد حسینی و ترجمه‌ی مهدی غبرائی پرداخته است و حدود صد واژه‌ی قرضی به صورت تصادفی از این اثر استخراج شده است. در این مقاله سعی بر آن بوده تا تغییراتی که بر واژگان قرضی اعمال گردیده تحلیل و بررسی شود. برای نیل به این هدف قواعد واجی حاکم بر فرایندهای واجی در تعدادی از واژگان بررسی شده تا تغییرات حاصل پس از ورود به زبان فارسی کشف و معرفی گردد. این فرایندها شامل فرایند درج اعم از واکه یا همخوان، تغییر در واکه اعم از افزایش و افتادگی، و نیز تقویت و تضعیف می‌باشد. مطالعه‌ی حاضر که تغییرات واجی و آوایی واژگان قرضی پس از ورود به زبان فارسی در آن بررسی شده است نشان داده است که در بسیاری از موارد، واژه نیاز به درج واکه یا همخوان دارد تا بومی شود و طبق قواعد واجی وارد زبان مقصد شود. به علاوه، یکی دیگر از مهم‌ترین تغییرات واجی که در واژگان قرضی دیده شد، تقویت و تضعیف خوانده می‌شود که طی آن برخی عناصر که در واژه‌ی قرضی وجود دارد، با عناصر واجی که از نظر ساختاری و آوایی نزدیک به آن باشند، جانشین می‌شود. در برخی موارد نیز واکه‌ای به واکه‌ی دیگر تبدیل شده است تا اثر بیگانگی آن کاهش یابد.

## ۱. مقدمه

با ظهور پدیده‌های نو در هر عصری ادبیات هر زبان در معرض تغییراتی قرار می‌گیرد که یکی از این دگرگونی‌ها ورود واژگان از زبانی به زبان دیگر می‌باشد. این پدیده که دلایل متعددی دارد و ذکر آنها از حوصله‌ی این مقاله خارج است "پدیده‌ی قرض‌گیری" نام دارد. مقاله‌ی حاضر بر آن است که با استخراج واژگان قرضی در ترجمه‌ی رمان بادبادک باز، تغییرات واجی و آوایی آنها را بررسی کند. با تحلیل رمان بادبادک‌باز اثر خالد حسینی، برآورد شد که واژگان قرضی متعددی وارد زبان مقصد یعنی زبان فارسی شده است. با بررسی تعدادی از این واژگان قرضی، تغییرات واجی چشمگیری دیده شد که گاهی تغییر بسیار اساسی تلقی می‌شود. با احترام به بحث بومی سازی در بحث ترجمه، یکی از دلایل اصلی این تغییرات می‌توان به هماهنگی قواعد واجی مطابق زبان فارسی اشاره کرد که طی آن این نوع واژه‌های قرضی با معیار نظام واجی در سطح آوایی ترجمه، صورت می‌گیرد و با آواهای فارسی جایگزین می‌شود. هر زبانی قواعد واجی مختص به خود را دارد که حتی واژگان قرضی نیز باید از این فیلتر عبور کنند و وارد زبان مقصد شوند تا هم از قواعد واجی تابعیت کنند و هم تلفظ آن برای شخص ساده و آسان گردد. یکی از ویژگی‌های واژگان قرضی، رایج شدن سریع آن است به گونه‌ای که اگر بعد از ورودش، افراد مسئول واژه‌سازی، معادلی برای آن بیابند عوام ترجیح می‌دهند، همان واژه‌ی قرضی را به کارگیرند و حتی در برابر معادل جدید مقاومت می‌کنند. به عنوان مثال واژه‌ی قرضی "پروژکتور" معادل آن در زبان فارسی "پرتوافکن" می‌باشد، لیکن فارسی‌زبانان کمتر از این واژه‌ی فارسی مصوب استفاده می‌کنند. لازم به ذکر است که "پروژکتور" در زبان انگلیسی /Projector/ تلفظ می‌شود، اما پس از ورود به زبان فارسی به صورت "پروژکتور" تلفظ می‌شود. به این فرایند که طی آن تلفظ واژگان قرضی مطابق ویژگی‌های آوایی زبان مقصد تغییر خواهد کرد، "بومی سازی"<sup>۲</sup> گفته می‌شود و به عبارتی خود را با ساخت آوایی زبان قرض‌گیرنده تطبیق می‌دهد. (بدخشان، ۱۳۹۲).

<sup>۱</sup>Borrowing<sup>۲</sup>Nativization

## ۲. مروری بر پیشینه

یکی از پدیده‌های رایج در همه زبان‌ها که امری عادی و البته ضروری محسوب می‌شود، پدیده‌ی قرض‌گیری است که در فرایند ترجمه اتفاق می‌افتد، و دلایل متعدد و البته گاه دلایل منطقی و اجتناب‌ناپذیری دارد. آنچه در ترجمه روی می‌دهد، تغییر است که اولین بار کتفورد در نظریه‌ی زبان شناختی بدان اشاره کرده است و تغییر در حین فرایند ترجمه را اجتناب‌ناپذیر می‌بیند، چرا که نیاز به تطابق با زبان مقصد دارد. کتفورد دو نوع تغییر را برمی‌شمارد که شامل تغییر در سطح و تغییر در طبقه بندی است. تغییر در سطح زمانی روی می‌دهد که سطح لغوی به سطح دستوری و یا بالعکس تغییر می‌یابد. تغییر طبقه بندی شامل تغییر ساختار (مثلا در زبان انگلیسی ساختار به صورت فاعل + فعل + مفعول است، حال اینکه در زبان فارسی ساختار به صورت فاعل + مفعول + فعل است)، تغییر در مقوله (تبدیل یک مقوله مانند صفت به مقوله‌ی دیگر مانند اسم)، تغییر در واحد (تغییر یک واحد زبانی مانند واژه به واحد زبانی دیگر مانند عبارت)، و تغییر درون زبانی (مانند مبحث مفرد و مونث بودن در زبان فرانسه که با تکیه بر آن حرف تعریف مشخص می‌شود) است (ماندی، ۲۰۰۴).

در بحث قرض‌گیری، شرایط جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، علمی، مذهبی و به خصوص فرهنگی این بستر را فراهم می‌کند تا سیل عظیمی از واژگان بیگانه وارد زبان مقصد شود. (واینریش، ۱۹۶۳). البته تعداد واژگان قرضی رو به افزایش است که خود می‌تواند تهدیدی برای ادبیات و فرهنگ هر جامعه باشد و این خود بحث طولانی است که از حوصله‌ی این مقاله خارج است.

قرض‌گیری در توصیف پدیده‌ای به کار می‌رود که طی آن ویژگی‌هایی از زبان مبدا وارد زبان مقصد می‌شود و این ویژگی‌ها شامل عناصر آوایی، واجی، واژگانی، نحوی و حتی معنایی می‌باشد. در حقیقت زبان مبدا را می‌توان اهداکننده‌ای در نظر گرفت که بخشی از عناصر خود را به زبان مقصد اهدا می‌کند و این عناصر می‌تواند به مرور زمان آنقدر در زبان قرض گیرنده عمیق شود که گویی از ریشه در این زبان رشد کرده است (فیلیپ دارکین، ۲۰۱۴). لازم به ذکر است که تغییرات در واژه‌های قرضی همیشه آگاهانه نبوده و گاهی بدون بررسی و

تایید وارد زبان شده و در میان عوام بکارگرفته شده و در نتیجه تبدیل به یک واژه ی عام گردیده است.

از سویی برخی براین باورند که ورود واژگان قرضی تا جایی که به دستور آسیب نرساند، مانعی ندارد، از سوی دیگر، برخی بر این باورند که اگر عناصر قاموسی بیگانه فراوان شود به همراه خود "الگوها و عناصر دستوری بیگانه" را وارد زبان می‌کنند (سمیعی، ۱۳۷۵: ۳). زبان شناسان که عرق ویژه ای به غنای زبان فارسی دارند و درصدد هستند تا مانع آسیب به زبان بالاخص دستور زبان شوند، قواعدی پی ریزی کرده اند تا کاستی‌ها و ضعف‌هایی که زبان به هنگام رویارویی با واژگان بیگانه از خود بروز می‌دهد تا حدودی جبران شود. یکی از این قواعد مربوط به قواعد آوایی است که نه تنها با قواعد آوایی زبان فارسی هماهنگ است، بلکه به خوش ساختاری نیز می‌انجامد و نیز موجب تسهیل در تلفظ واژگان می‌شود. «گاهی در حین ادای مصوتی وضع اعضای گفتاری تغییر می‌پذیرد و بر اثر این تغییر وضع چگونگی صوت نیز متفاوت می‌شود. یعنی صوت با همه ی صفات خاص خود از گلو یکسان جریان می‌یابد اما وضع حفره‌ی دهان در حین انتقال هوای لرزان به خارج دهان متفاوت می‌شود» (خانلری، ۱۳۷۳: ۵۷).

هر زبانی دارای صداهای متفاوتی است که ممکن است زبان دیگر فاقد آن باشد. به عنوان مثال در زبان انگلیسی صداهای /θ/ و /ð/ که دارای مشخصه دندانی سایشی هستند وجود دارد، ولی در زبان فارسی وجود ندارد.

ساخت و ترکیب هجاها نقش اساسی در صورت بندی فرایندهای واجی یک زبان ایفا می‌کند. به عنوان مثال در زبان انگلیسی ساخت CCVC وجود دارد و هجا می‌تواند با دو همخوان متوالی آغاز شود که در ساختواژه‌ی زبان فارسی از قواعد واج آرایبی تخطی شده و یک خوشه‌ی همخوانی غیرمجاز به وجود آمده است. آنچه باعث اصلاح چنین صورت‌هایی قبل از رسیدن به روساخت می‌شود فرایند درج است (زعفرانلو، ۱۳۹۳).

ساخت واجی در هر زبان تعیین کننده‌ی هجای آن است. ممکن است در زبانی مانند انگلیسی برخی از هجاها متشکل از واکه‌ی مرکب باشد و در زبانی دیگر مانند زبان فارسی ساخت واجی فاقد واکه ی مرکب باشد (زعفرانلو، ۱۳۹۳). بنابراین به هنگام ورود واژگان قرضی به زبان مقصد، ساخت واجی و هجایی آنها مطابق قوانین زبان مقصد تغییر می‌کند.

فرآیند کوتاه شدگی<sup>۳</sup> یکی از رایج ترین تغییراتی است که در بسیاری از زبانها رخ می دهد. در برخی از زبانها، من جمله انگلیسی، واکه های بلند تکیه می گیرند و اگر واکه ای تکیه نداشته باشد به واکه ای کوتاه تبدیل می شود. در زبان فارسی نیز واکه های کشیده می توانند به واکه های کوتاه تبدیل شوند. بنابراین، تبدیل واکه های بلند به واکه های کوتاه از زبانی به زبان دیگر نیز میسر است و منجر به تلفظ طبیعی واژگان می شود.

فرآیند حذف<sup>۴</sup> که باعث ساده سازی هجا می شود یکی از پرکاربردترین روش هایی است که در واژگان قرضی اتفاق می افتد. ممکن است یک عنصر واجی از جایگاه آغازی، میانی و یا پایانی کلمه حذف شود (زعفرانلو، ۱۳۹۳). ساخت هجا در زبان فارسی اصولاً به صورت CVC است. بنابراین به هنگام رویارویی با هجای سنگینی مانند CVCC هجا تمایل به کوتاه شدن از طریق حذف واکه یا همخوان دارد. گاهی ممکن است دو هجای سبک متوالی CVCV به یک هجای متوسط CVC تبدیل شود. به عبارتی هجای CVC یک هجای غالب در زبان فارسی است و بسیاری از واژگان قرضی متحمل این تغییر می شوند.

فرآیند درج<sup>۵</sup> در تقابل فرآیند حذف قرار دارد. طی این فرآیند واکه یا همخوانی در واژه درج می شود. این درج ممکن است در جایگاه آغازی، میانی و پایانی واژه باشد. در برخی زبانها مانند انگلیسی هجای آغازی می تواند با یک واکه آغاز شود اما در زبانی مانند زبان فارسی هجا باید با یک همخوان آغاز شود. بنابراین گاهی واژگان قرضی نیاز به درج یک همخوان دارند تا مطابق فرآیند واجی زبان فارسی به روساخت بیاید. مثلاً انسداد چاکنایی که در ابتدای برخی واژگان فارسی وجود دارد حاصل فرآیند درج است. در صورتی که تکواژی با واکه آغاز شود، این جایگاه آغازی تهی با یک انسداد چاکنایی پر می شود (زعفرانلو: ۲۸۱، ۱۳۹۳).

یکی دیگر از فرایندهای واجی، فرآیند همگونی<sup>۶</sup> نامیده می شود که طی آن واحدهای واجی مجاور یا غیرمجاور بر یکدیگر تأثیر می گذارند. همگونی متعلق به حوزه ی توانش زبانی است و از طریق قواعد واجی توجیه می شود و طی آن تغییراتی در سطح هجا پدید می آید. همگونی

<sup>3</sup>Shortening

<sup>4</sup>Deletion

<sup>5</sup>Epenthesis

<sup>6</sup>Assimilation

به دو صورت پیوسته و ناپیوسته رخ می‌دهد. فرایند همگونی پیوسته، بین دو همخوان یا یک واکه و همخوان پدید می‌آید (زعفرانلو، ۱۳۹۳). لازم به ذکر است که این تغییرات به عنوان فرایند تضعیف<sup>۷</sup> و تقویت<sup>۸</sup> دسته بندی می‌شود.

### ۳. تحلیل داده ها

#### ۳-۱ قواعد واجی حاکم بر فرآیندهای واجی وامواژه ها

##### ۳-۱-۱ فرآیند درج واکه

در واژه‌های قرضی تک هجایی و یا چند هجایی با ساخت CCV در زبان انگلیسی، ساخت هجایی واژه به CVC تبدیل می‌شود. به طور کلی، کلمات وارده که در اصل دو همخوان پشت سر هم دارند، در زبان فارسی بین دو همخوان واکه اضافه می‌شود و به تبعیت از قواعد زبان فارسی تلفظ کمی تغییر می‌یابد. به عنوان مثال واژه ی Projector در هجای اول به صورت CCV می‌باشد که بعد از ورود به زبان فارسی در هجای اول میان دو همخوان /P/ و /r/ واکه‌ی /e/ قرار می‌گیرد، تا مطابق قواعد زبانی تلفظ آن با مشقت صورت نگیرد. لازم به ذکر است که در زبان فارسی هجای اول به صورت CVC می‌باشد.

/prəʌdɒktə/ → [perəɛktor]

به علاوه نمونه های دیگری از این قبیل یافت شده که وامواژه ها با درج واکه میان همخوان ها دستورالعمل های زبان فارسی وارد این زبان شده اند که به صورت جدول ارائه شده است و در ادامه به ذکر آن پرداخته می‌شود. همانطور که در جدول ۱ دیده می‌شود برخی وامواژه ها مانند "slide و studio, stereo" که در زبان انگلیسی دارای ساخت CCV هستند، پس از ورود به زبان فارسی یک واکه در ابتدای هجا درج شده است تا با قواعد زبان فارسی هماهنگ باشد و تلفظ آن نیز تسهیل یابد. از سوی دیگر، هجا در زبان فارسی همواره با یک همخوان آغاز می‌شود بنابراین براساس قواعد واجی، همخوان [ʔ] قبل از واکه در هجای اول می‌آید و ساخت CVC داریم.

/slaɪd/ → [ʔeslɛjd]

<sup>7</sup>Lenition

<sup>8</sup>Fortition

تلفظ انگلیسی	صورت نوشتاری انگلیسی	تلفظ فارسی	صورت نوشتاری فارسی	ردیف
/kɾɪst(ə)/	Crystal	[kerɪst]	کریستال	۱
/klæs/	Class	[kelɪs]	کلاس	۲
/pɾɪdʒekt/	Project	/perɪe/	پروژه	۳
/klæsɪk/	Classic	[kelɪsɪk]	کلاسیک	۴
/plæstɪk/	Plastic	[pelastɪk]	پلاستیک	۵
/drɪb(ə)/	Drible	[drɪb]	دریبل	۶
/pɾɒdʒektə/	projector	[perɪektor]	پروژکتور	۷
/slaɪd/	Slide	[slɪjd]	اسلاید	۸
/flæʃɪŋ/	Flashing	[flɪʃ]	فلاش	۹
flɔ : ɪ rɪs(ə)nt /	fluorescent	[feloresent]	فلورسنت	۱۰
/spɔ : t/	sport	[? esport]	اسپورت	۱۱
/stɛrɪ l/	sterile	[? esteril]	استریل	۱۲
[trænzɪstər/	transistor	[tera nzistor]	ترانزیستور	۱۳
/ˈstɛdɪ əm/	stadium	[? esta dijom]	استادیوم	۱۴
/ˈstɪ ərɪ əv /	stereo	[? esterijo]	استریو	۱۵

جدول ۱. فرآیند درج واکه

## ۲-۱-۳ فرآیند درج همخوان

همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، در زبان فارسی براساس قواعد واجی هر هجا با یک همخوان آغاز می‌شود و ساختار هجا به صورت CVC است. به عنوان نمونه در واژه‌ی /stɛdɪ əm/ هجای اول با یک همخوان آغاز شده است که پس از ورود به زبان فارسی به صورت [ɛstɪjəm] تلفظ می‌شود که بر طبق قواعد این زبان درج همخوان و واکه در ابتدای هجای

آغازی روی داده است. همخوان [ʔ] در ابتدای هجا قرار گرفته تا هجا با یک واکه آغاز نشود و مطابق قواعد واجی زبان فارسی عمل کند. وام‌واژه‌های دیگری که چنین تغییراتی کرده اند موارد زیر می‌باشند که در جدول آمده اند.

## ۳-۲ تغییر در واکه‌ها

### ۳-۲-۱ افزایش و افتادگی

تبدیل واکه‌های میانی به واکه‌های افزایش یافته یا افتاده در واژه‌های قرضی اعمال می‌شود. به عنوان نمونه واژه apartment در هنگام ورود به زبان فارسی واکه‌ی میانی ə در هجای اول به واکه‌ی پیشین و افتاده‌ی □ تبدیل شده است.

/əp□:rtmənt/ → [□p□rtēm□n]

در اینجا به ذکر وام‌واژه‌های دیگری می‌پردازیم که واکه‌های میانی به واکه‌های افزایش یافته یا افتاده دگرگون شده است.

/fɔ : wəd/ → [forv□rd]

/rɛ zɪ d(ə)nt/ → [rezi dent]

/bʌ ɪ a grəfi/ → [bijogra fi]

/lɪ bərəl/ → [lɪ bera l]

/təmi nəl/ → [termɪ na l]

/helɪ ka ptər/ → [helicopter]

/dɪ ʒɪ təl/ → [dɪ ʒɪ ta l]

### ۳-۲-۲ تبدیل واکه‌ی افزایش یافته به واکه‌ی افتاده و ساده

در برخی وام‌واژه‌ها، واکه‌های افزایش یافته پس از ورود به زبان فارسی به واکه‌ی ساده تبدیل شده‌اند. به عنوان مثال واژه‌ی /bu:ləva :rd/ در زبان فارسی به صورت [bolva r] تلفظ می‌شود. به عبارتی واکه‌ی پسین افزایش یافته‌ی /u:/ به واکه‌ی ساده‌ی پسین [o] تبدیل شده



است. این فرآیند در واژه‌ی /telɒfəɒn/ نیز روی داده است. به عبارتی، واکه‌ی پیشین افراشته‌ی /ɒ/ به واکه‌ی نیمه باز [e] تبدیل شده است.

در وام واژه‌ای دیگر مانند /kɒlɒ/ واکه پسین افراشته‌ی /ɒ/ در زبان فارسی به واکه‌ی افتاده‌ی [e] تبدیل شده است. وام واژه‌ی دیگری که چنین دگرگونی مناسبی در آن روی داده واژه‌ی قرضی /kɒmjɒnst/ است که در متن فارسی به صورت [kɒmɒnst] آمده است. به عبارتی، واکه پسین افراشته‌ی /ɒ/ به واکه‌ی ساده‌ی [o] تبدیل شده است.

### ۳-۲-۳ تبدیل واکه‌ی مرکب به واکه‌ی ساده

در زبان انگلیسی واکه‌های مرکب به دو گروه تقسیم می‌شوند که متشکل اند از واکه‌های مرکب مرکزگرا که به واکه‌ی شوا /ə/ ختم می‌شوند و واکه‌های مرکب متمایل به بسته که به واکه‌های /ɒ/ و /ɒ/ ختم می‌شوند (روچ، ۲۰۱۰). از آنجا که در زبان فارسی واکه‌ی مرکب وجود ندارد، وام واژه‌هایی که دارای واکه‌های مرکب هستند پس از ورود به متن فارسی طبق قواعد زبان فارسی به وام واژه‌هایی با واکه‌های ساده تبدیل می‌شوند. واژه‌ی /slaɒd/ دارای صورت هجایی CCVC است که متشکل از واکه‌ی مرکب /aɒ/ می‌باشد که از دو واکه‌ی /a/ و /ɒ/ تشکیل شده است. واکه‌ی مرکب /aɒ/ جز واکه‌های مرکب افتان به شمار می‌آید. در اینجا به دو نمونه از وام واژه‌ها اشاره می‌کنیم که در زبان مبدا دارای واکه‌ی مرکب /aɒ/ بوده اند و در زبان مقصد به توالی یک واکه‌ی ساده و یک غلت تبدیل شده‌اند.

/slaɒd/ → [ɒeslɒjd]

/bɒɒgrəfi/ → [bijogrɒfi]

در واژه‌ی دیگری چون /steraɒl/ که دارای واکه‌ی مرکب /aɒ/ است به هنگام ورود به زبان فارسی این واکه‌ی مرکب افتان تبدیل به واکه‌ی ساده افراشته‌ی /i/ می‌شود.

/steraɒl/ → [ɒesteril]

واکه‌ی مرکب دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد واکه‌ی مرکب افتان /eɒ/ است که از دو واکه‌ی ساده‌ی /e/ و /ɒ/ تشکیل شده است. اما در زبان فارسی تبدیل به واکه‌ی ساده می‌شود. به عنوان نمونه واژه‌ی /reɒdɒ/ در زبان فارسی به صورت [rɒdijo] تلفظ

می‌شود، به عبارتی واکه‌ی مرکب افتان /e□/ به واکه‌ی ساده‌ی □ [□] تبدیل شده است. وام واژه‌ی "دکوراسیون" نیز جز این فرآیند محسوب می‌شود:

/dekəre□□ən/ → [dekor□sijon]

واکه‌ی مرکب افتان /ə□/ که متشکل از دو واکه‌ی /□/ و /ə/ است در زبان مقصد به یک واکه‌ی ساده تبدیل می‌شود. به عنوان مثال در واژه‌ی /pə□stər/ واکه‌ی مرکب /ə□/ به واکه‌ی ساده‌ی پسین [o] تبدیل می‌شود. البته در اغلب موارد این واکه‌ی مرکب به واکه‌ی /o/ تبدیل می‌شود.

/pə□stər/ → [poster]

/tel□fə□n/ → [telefon]

واکه‌ی مرکب افراشته‌ی /□ə/ متشکل از توالی دو واکه‌ی ساده‌ی □/ و /ə/ می‌باشد که طبق قواعد واجی زبان فارسی به یک واکه‌ی ساده تبدیل می‌شود. به عنوان مثال واژه‌ی /sə□r□əl/ که دارای واکه‌ی مرکب /□ə/ است در زبان فارسی به واکه‌ی ساده‌ی پیشین /e/ تبدیل می‌شود.

/sə□r□əl/ → [sure□□]

### ۳-۳ تقویت و تضعیف

#### ۳-۳-۱ تبدیل انسدادی - سایشی به سایشی

فرآیند مذکور بدین صورت است که برخی عناصر که در واژه‌ی قرضی وجود دارد، با عنصر واجی که از نظر ساختاری و آوایی نزدیک به آن باشد جانشین می‌شود. در زبان فارسی در بعضی موارد انسدادی - سایشی □/ به سایشی □/ تبدیل می‌شود. این تغییر خود یک تقویت محسوب می‌شود. مثال‌هایی مربوط به این تغییر در ذیل آمده است.

/pr□□ekt/ → [per□e]

/prə□ektər/ → [per□ector]

/tekn□lə□i/ → [teknolo□i/]

### ۲-۳-۳ تبدیل همخوان سایشی بی واک به سایشی واکدار

در زبان فارسی در برخی موارد همخوان سایشی /□/ واک خود را از دست داده و به سایشی واکدار [z] تبدیل می‌شود تا با قواعد آوایی و واجی زبان فارسی هماهنگ باشد. به عنوان مثال واژه‌ی /teləv□□ən/ پس از ورود به زبان فارسی مهم‌ترین تغییری که کرده این است که همخوان بی واک /□/ به همخوان واکدار [z] تبدیل شده است. این تغییر را می‌توان فرایند تقویت در نظر گرفت.

/teləv□□ən/ → [televizijon]

### ۳-۳-۳ تبدیل سایشی به انسدادی

در برخی وام واژه‌ها مشاهده شده است که همخوان سایشی /θ/ به همخوان انسدادی [t] تبدیل شده است. برای مثال وام واژه‌ی /□θ□□ətə/ به صورت [te□□tr] تلفظ می‌شود. یعنی /θ/ به [t] تبدیل شده است. به عبارتی یک همخوان سایشی به همخوان انسدادی تبدیل شده که خود فرایند تقویت محسوب می‌شود.

### ۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله به بررسی تغییرات واجی و آوایی واژگان قرضی پس از ورود به زبان فارسی پرداخته شد. همانطور که پیش تر ذکر شد واژگان قرضی نیاز به تغییرات عمده‌ای دارند تا با قواعد واجی و آوایی زبان مقصد تطابق داشته باشند. گاهی واژه‌ها به درج واکه یا همخوان داشت تا بومی شود. به عنوان مثال واژه‌ی "sport" که یک واژه‌ی بیگانه است، پس از ورود به زبان فارسی به صورت [□esport] تغییر می‌کند که هم درج واکه و هم درج همخوان این واژه را بومی‌تر کرده است. فرایند واجی دیگری که در واژگان قرضی اعمال شده است، تغییر در واکه است. نمونه‌ی آن واژه‌ی /bu:ləv□:rd/ است که در زبان فارسی به صورت [bolv□r] تلفظ می‌شود. اتفاقی که در این واژه رخ داده تبدیل واکه‌ی افراشته‌ی /u:/ به واکه‌ی ساده‌ی [o] است. یعنی یک واکه‌ی افراشته به یک واکه‌ی افتان تبدیل شده است.

یکی دیگر از مهم‌ترین تغییرات واجی تقویت و تضعیف خوانده می‌شود که واژگان قرضی از این فرایند نیز بی‌نصیب نمانده‌اند. واژه‌ی چون /tekn□lə□i/ به صورت [teknolo□i] تغییر

یافته تا با قواعد واجی زبان فارسی هماهنگ باشد. در این تغییر، همخوان انسدادی-سایشی /□/ به همخوان سایشی /□/ تبدیل شده که یک فرایند تقویت محسوب می‌شود.

بدین ترتیب نشان داده شده که واژگان قرضی لاجرم نیاز به دگرگونی‌هایی دارند تا با قواعد واجی و آوایی زبان مقصد هماهنگ باشد و حضور انبوه این واژگان که رو به افزایش است آسیب و خلل جدی به زبان وارد نکند.

## منابع

- بدخشان، ابراهیم، (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیر فرایندهای واجی- آوایی بر نوع صرفی زبان کردی (گویش کلهری)»، دانشگاه کردستان، همایش ملی آموزش زبان فارسی و زبان شناسی.
- حسینی، خالد، (۱۳۹۲)، بادبادک باز، ترجمه‌ی مهدی غبرائی، تهران، نشر نیلوفر (چاپ به زبان اصلی ۲۰۰۳)
- سمیعی، احمد، (۱۳۷۵)، یادداشت سردبیر، نامه فرهنگستان، شماره‌ی ۵. ۱-۳.
- عامری، حیات، (۱۳۹۵)، «وام واژه‌های عربی در فارسی، بررسی تحولات آوایی و معنایی»، دوفصلنامه مطالعات تطبیقی فارسی-عربی. س ۱، ش ۲، ۱۸-۲.
- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ (۱۳۹۳)، واج شناسی، رویکردهای قاعده بنیاد، تهران، سمت.
- محمودی، بتول، (۱۳۸۴)، «تغییرات تلفظی واژگان فارسی هنگام استفاده در گفتار رسمی زبان نوشتاری ترک زبانان تبریز»، مجله‌ی زبان و زبان شناسی، ش ۲، ۲۴-۴.
- مشکوت الدینی، مهدی، (۱۳۹۳)، ساخت آوایی زبان، مشهد، موسسه‌ی چاپ و انتشارات دانشگاهی.
- ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۳). زبان شناسی و زبان فارسی، تهران، توس.
- Durkin, P. (2014). *Borrowed Words: A History of Loanwords in English*, Oxford-New York: Oxford University Press.
- Hoseini, k. (2003). *Kite runner*, Riverheads books.
- Munday, J. (2004). *Introducing Translation Studies*, London & New York: Routledge.
- Roach, P. (2000). *English Phonetics and phonology*, Cambridge: UK Press.